

گفت و گوی صبا با احمد صراف یزد کارگردان مستند تابادها، یادها را نبردند

از درون نگاتیو آدم‌ها را بیرون می‌آورم



احمد صراف یزد، متولد ۱۳۶۲ در شهر یزد است. او فعالیت‌های سینمایی خودش را از سال ۱۳۸۰ در انجمن سینمای جوان - دفتر یزد شروع کرده است. از همان ابتدا به سینمای مستند علاقه داشته و سعی کرده در همین حوزه آموزش‌های لازم را ببیند و پا به عرصه فیلمسازی بگذارد. صراف یزد تا به امروز حدود ۲۶ کار مستند ساخته و در جشنواره‌های مختلف حضور داشته است. روزنامه صبا به بهانه حضور مستند کوتاه «تابادها، یادها را نبردند» در چهلمین جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تهران با احمد صراف یزد به گفت‌وگو نشسته است که در ادامه می‌خوانید.

قبل از این در جشنواره فیلم کوتاه تهران شرکت کرده‌اید؟ در این جشنواره با کدام اثر تان شرکت کرده‌اید؟

امسال پنجمین دوره حضور من در جشنواره فیلم کوتاه تهران است. سال گذشته با فیلم «شارده حمام» نامزد بخش بهترین تحقیق و پژوهش در جشنواره شدم. دوره سی و دوم جایزه بهترین فیلم کوتاه مستند را با فیلم «گاهی فقط عشق» دریافت کردم. امسال هم با فیلم «تابادها، یادها را نبردند» در جشنواره حضور دارم.

ایده اولیه ساخت اثر از کجا آمد و چطور شکل گرفت؟

علاقه شخصی و دغدغه‌ام آرشیو است. فکر می‌کنم آرشیو یک سند هویتی است که به اسناد تصویری‌ای که باقی خواهند ماند بسیار کمک می‌کند. همیشه آدمی بوده‌ام که دوست داشتم عکس و سند تاریخی جمع کنم. همیشه دوست داشتم درباره تاریخچه عکاسی شهر یزد یک فیلم بسازم و قصه بگویم. چند فریم عکس پیدا کردم و سعی کردم احوالات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی شهر یزد را به واسطه عکاسانی که این عکس‌ها را گرفته‌اند روایت کنم.

چه مدت زمانی صرف تحقیقات و پژوهش اولیه اثر شد؟ برای اثر فیلمنامه نوشتید و یا داستان با جلو رفتن اتفاقات در حین فیلمبرداری شکل می‌گرفت؟

من به فیلمنامه در فیلم مستند بسیار اعتقاد دارم. امروزه سینمای مستند در دنیا به گونه‌ای پیش می‌رود که باید فیلمنامه داشت. برای این پروژه نیاز بود تاریخ اجتماعی شهر یزد را بررسی کنم. چیزی حدود چهار ماه مرحله تحقیق و پژوهش و یک ماه مرحله گفتار متن طول کشید.

«تابادها، یادها را نبردند» در کدام نوع مستند دسته‌بندی می‌شود؟

این کار یک مستند تاریخ اجتماعی در گونه شاعرانه است. من سینمای مستند شاعرانه خیلی دوست دارم و فکر می‌کنم می‌تواند تأثیرگذاری بیشتری روی مخاطب داشته باشد.

دلیل نبود تنوع ژانر در مستند کوتاه را چه می‌دانید؟

این مسئله واقعاً باید ریشه‌یابی شود و با گفته من این مسئله حل نمی‌شود. من فکر می‌کنم بخشی از مشکل همین جشنواره‌ها و فیلم‌هایی که اسم‌شان فیلم جشنواره‌ای است، هستند. مثلاً در سه دوره از یک جشنواره فیلم‌ها با سوز اجتماعی می‌آید و دیگر ما باید فقط در این موضوع کار بسازیم. آیا کار محیط زیست یا تاریخی نمی‌توان

تأثیرگذار و مفید باشد؟ بخش دیگر هم مسئله بودجه است. بودجه تولید در سینمای مستند بالا است و در کنارش صبوری هم می‌طلبد. اما نه خیلی این صبر قابل مشاهده است و نه جایی برای تخصیص دادن بودجه کافی وجود دارد.

اگر بخواهید ماجرای مستند خودتان را تعریف کنید، چطور تعریفش می‌کنید؟

در آرشیوهای خانگی یا دولتی عکس‌هایی وجود دارند که اغلب آن‌ها به شیوه‌های درست و دقیقی نگهداری نمی‌شوند و در حال نابودی هستند. این اتفاق در مورد عکس‌های موجود در خانه‌ها بیشتر است. قصه این فیلم قصه چنین اتفاقاتی است که از درون فریم‌ها و نگاتیوها آدم‌هایی را بیرون می‌آورم تا به مخاطبم بشناسانم و بگویم در چه احوالاتی زیست می‌کرده‌اند. یکی از این عکس‌ها برای حدود ۱۸۰ سال پیش بود. در فیلم به این موضوع هم اشاره می‌شود که اولین عکس ثبت شده در یزد کدام است و اولین عکاس تاریخ معاصر شهر یزد کیست. خلاصه بخواهم بگویم فیلم، یک روایت تاریخی، فرهنگی، اجتماعی از شهر یزد به مدد نگاتیوها و عکس‌های فراموش شده است.

با توجه به شرایط متفاوت ساخت فیلم مستند، بخش تدوین را می‌توان جزو مراحل تولید دانست؛ طبق این تعریف، روند فیلمبرداری و تولید اثر چقدر زمان برده است؟

چون کار بیشتر آرشیوی بود، فیلمبرداری کار خیلی زمان‌نبرد و تصاویر فیلم در شش روز فیلمبرداری شد. بیشتر زمان در این نوع کارها در مرحله جست‌وجو و پیدا کردن آنچه از آرشیو می‌خواهیم سپری می‌شود. مهم‌ترین قسمت کار قسمت نوشتار گفتار متن است و برای رسیدن به آن متن باید خیلی مسیرها را رفت و بسیار سختی کشید. در زیر متن کار به این موارد هم اشاره می‌شود. نکته‌ای هم که در کار مستند وجود دارد این است که روند تولید و تدوین همسوا با هم جلو می‌روند و نمی‌توان جدای‌شان کرد. اگر بخواهم زمان کلی و تمام مراحل کار را بگویم، یک سال طول کشید.

در اثر از باز یگر هم استفاده کرده‌اید؟

خیر. هر کس در فیلم حضور دارد شخصیت واقعی است.

اثر در کدام شهرها فیلمبرداری شده است؟

فیلم کاملاً در شهر یزد فیلمبرداری و ساخته شده است.

بودجه اثر چقدر بوده و از چه منابعی تأمین شده است؟

بخشی از بودجه کار را از مرکز استانی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در یزد دریافت کردم و باقی بودجه را به صورت شخصی هزینه کرده‌ام.

برای «تابادها، یادها را نبردند» در چهلمین جشنواره فیلم کوتاه تهران شانس جایزه قائل هستید؟

من هیچ شانس برای خودم قائل نیستم. دلیلش هم این است که فکر نمی‌کنم مستند تاریخی در جشنواره خیلی دیده شود و مخاطب خودش را جذب کند. البته برای من واقعاً مهم است که فیلم دیده شود و مخاطب کار را دوست داشته باشد و بتواند با کار ارتباط برقرار کند.

در آخر اگر نکته با صحتی هست، بفرمایید؟

دوست دارم به این نکته مهم اشاره کنم که واقعاً با ۶۰ یا ۷۰ میلیون می‌شود فیلم ساخت؟ آن هم فیلم مستند که کارگردان و عوامل شش ماه تا یک سال و گاهی هم بیشتر درگیر یک پروژه هستند؟ اکثر ما فیلمسازان مستند کار دیگری نمی‌کنیم و منبع درآمد و اصولاً شغل مان همین است. واقعاً با چنین شرایطی کار کردن بسیار سخت است. این اتفاق خوبی برای حوزه مستند نیست. حوزه‌ای که واقعاً در آن فیلم‌های مهم و تأثیرگذاری ساخته می‌شود و گاهی هم تأثیرگذار تر از فیلم‌های داستانی هستند. فیلمسازان حوزه مستند واقعاً دغدغه‌مند هستند و عاشقانه کار می‌کنند. به نظر من نسبت به سینمای مستند بسیار بی‌مهری صورت گرفته و می‌گیرد. نکته دیگری هم دوست دارم بگویم، مسئله تمرکززدایی است و بسیار مهم است که این اتفاق پیگیری شود و همه چیز در تهران خلاصه نشده و نگاه ویژه‌تری به سینما و فیلمسازان شهرستانی شود. در نهایت هم امیدوارم اتفاقات خیلی خوبی برای سینما و فیلمسازان مستند کشور بی‌افتد.

